بیانات مقام معظم رهبری در مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام (ره) - 14 /خرداد/ 1371

بسم اللّه الرّحمن الرّحیم

الحمدللّه رب العالمین. احمده حمداًمتواصلاً بتواصل نعمه، و متواتراً بتواتر آلائه. والصّلاة والسلام علی سیّدنا و نبیّنا و حبیب قلوبنا، ابی القاسم المصطفی محمّد. وعلی آله الاطیبین الاطهرین المنتجبین، الهداة المهدیین المعصومین، سیّمابقیةاللّه فی الارضین. قال اللّه الحکیم فی کتابه: «یریدون ان یطفؤا نورَ اللّه بافواههم ویأبیَ اللّه الاان یتمَّ نوره ولوکره الکافرون.» (1)

سوّمین سالگرد رحلت بنیانگذار عظیم الشّأن جمهوری اسلامی و پرچمدار بزرگ اسلام و قرآن در تاریخ معاصر، یادآور آن روزهای تلخ و آن مصیبت جانگداز، برای ملت ایران و همه ملتهای مسلمان و همه مستضعفان جهان است. بنده اوّلاً لازم می دانم این مصیبت بزرگ را، که گذشت زمانْ از عظمت آن نمی کاهد، به محضر منوّر ولیّ عصر، امام زمان ارواحناله الفداء، تسلیت عرض کنم. همین طور به ملت مسلمان ایران و همه دوستداران و ارادتمندان این بزرگوار در سراسر عالم. همچنین تسلیت عرض کنم به فرزند بزرگوار ایشان، جناب حجةالاسلام آقای حاج سید احمد آقا، که یادگار ارزنده آن بزرگوار هستند. به مناسبت این اجتماع عظیم شما، مطالبی را عرض می کنم.

این حادثه، از جهات مختلفی، دارای اهمیت بود. یکی از آن جهات که شاید مهمترین آنها هم محسوب می شد، این بود که ملت ایران در این حادثه، در برابر یك آزمایش بسیار بزرگ قرار گرفت. این انقلاب و این نظام و حرکت مردم پشت سر امام، برای مسلمانان عالم، بلکه برای بسیاری از ملّتها، یك الگو و نمونه بود. قهراً با فقدان امام بزرگوار، این حالت و نگرانی، در فضای عالم به وجود می آمد، که ملت ایران، پس از فقدان امام و قلب تپنده این نظام اسلامی، چگونه حرکت خواهد کرد؟ آنچه که من امروز بعد از سه سال از گذشت این حادثه، می توانم با جرأت بگویم، این است که ملت ایران، در این حادثه و پس از آن، یکی از بهترین امتحانها را داد. حقیقتاً این حرکت ملت در تداوم راه و خطّ امام، مانند سایر مجاهدتهای ملت بزرگ ایران در اصل انقلاب، در جنگ تحمیلی و در آزمایشهای گوناگون، یك حرکت استثنایی و به یادماندنی بود. من در این فرصت، مایلم رؤوس جهت گیریهای ملت ایران را، که در حرکت عمومی مردم، در حرکت دولت و در حرکت مسؤولین نظام، مجسّم شده است و دقیقاً منطبق با همان خط و جهتگیری ای است که امام برای ما ترسیم کرده بودند، به اجمال عرض کنم و سپس نگاهی به آینده بیندازم و این فرصت بسیار مهم را، که مقطعی برای نظام ماست، باچشم انداز روشنی شروع کنیم.

من رؤوس مطالبی را در خصوصیات این خط و این جهتگیری - که ما به آن «خطّ امام» می گوییم و مشخّصه حرکت نظام جمهوری اسلامی در ده سال حیات با برکت امام بوده است - عرض می کنم: خطّ امام، یعنی آن مسلك و سلوك حکومتی امام امّت. یعنی چیزی که تفسیرکننده نظام جمهوری اسلامی است. جمهوری اسلامی، می تواند با جهتگیریهای مختلفی تحقق یابد. آنچه که این جهتگیریها را به صواب نزدیك می کند و مورد قبول و اعتقاد امام رضوان اللّه تعالی علیه بوده است، اینهاست:

اوّل، ایستادگی در برابر تحمیل و نفوذ قدرتهای خارجی و نداشتن سر سازش با این قدرتها. این، اوّلین مشخّصه حرکت امام بزرگوارماست.

دوم اهتمام به تعبّد وعمل فردی و ایستادگی در برابر سلطه شیطان نفس و وسوسه های نفسانی. این دو مطلبِ بزرگ

و این دو میدان مبارزه را، امام از هم جدا نمی کردند و در صحنه اجتماع و سیاست، در مقابل شیطان بزرگ و شیطانهای قدرت می ایستادند. در صحنه روان آدمی و درون وجود انسان، امام با نفس مبارزه می کردند و اصرار بر تعبّد و عمل اسلامی و فردی و شخصی داشتند.

سوم، اهمیت دادن به توانایی ملتها و «اصل» دانستن آنها بود. امام با ملتها سخن می گفتند و معتقد بودند که تحوّلات بزرگ عالم، اگر به دست ملتها انجام گیرد، غیر قابل شکست است و ملتها می توانند در دنیا تحوّل ایجاد کنند و محیطهای خودشان را عوض نمایند.

چهارم، اصرار بر وحدت مسلمین و مبارزه با تفرقه افکنی استکبار.

پنجم، اصرار بر ایجاد روابط سالم دوستانه با دولتها ؛ مگر استثناهایی که هرکدام استدلالی قوی پشت سرش بود. امام به مایاد دادند که جمهوری اسلامی، در سطح عالم می تواند و باید از روابط سالمی با دولتها برخوردار شود. البته رابطه با امریکا مردود است ؛ به سبب این که آمریکا یك دولت استکباری و متجاوز و ظالم است و با اسلام و جمهوری اسلامی در حال معارضه و محاربه است. ارتباط با رژیم صهیونیستی و نیز ارتباط با رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی (2).

مردود است ؛ اما رابطه با بقیه دولتها، بسته به مصالح نظام جمهوری اسلامی است و اصل برایجاد ارتباط است.

ششم، اصرار بر شکستن حصار تحجّر و التقاط در فهم و عمل اسلامی و التزام به اسلام ناب. هم تحجّر، از دیدگاه امام - در بیان و عمل - مردود بود، هم التقاط.

هفتم، نقش محوری دادن به نجات محرومین و تأمین عدالت اجتماعی. همیشه، مردم در چشم امام، «اصل» بودند. در منطق و در خطّ حکومتی امام امّت، محرومان و مستضعفان محور تصمیم گیریها محسوب می شدند و همه فعّالیتهای اقتصادی و امثال آن، بر محور نجات محرومین از محرومیتها بود.

هشتم، توجّه ویژه به مبارزه با رژیم اشغالگر قدس و رژیم غاصب صهیونیستی بود. مبارزه با اسرائیل، جایگاه خاصّی در منطق امام - در راه و رسم حکومتی - داشت. از اموری که در نظر امام امّت به هیچ وجه برای ملتهای مسلمان قابل اغماض نبود، مبارزه با صهیونیستها بود ؛ چون امام بزرگوار، نقش ویرانگر و مخرّبِ این رژیم تحمیلی را از سالها پیش از پیروزی انقلاب، به درستی تشخیص داده بودند.

نهم، حفظ وحدت ملی و ایجاد یکپارچگی در میان ملت ایران و اصرار بر مقابله و مبارزه با هر شعار تفرقه افکنانه.

دهم، حفظ مردمی بودن حکومت و ایجاد رابطه با مردم و حفظ ارتباط با آنها. لذا امام، هم به مسؤولین سفارش می کردند که «از مردم جدا نشوید ؛ با مردم باشید ؛ زیّ مردم را داشته باشید ؛ به فکر مردم باشید» و خلاصه، رابطه را از طرف مسؤولین تأمین می کردند، هم متقابلاً به مردم سفارش مسؤولین و دولتها را می کردند. یعنی امام با کسانی که ارگانهای نظام و دولت را تضعیف می نمودند، به نحوی از انحا مقابله می کردند.

یازدهم، اصرار بر سازندگی کشور و تحویل یك نمونه عملی از کشور و جامعه اسلامی به جهان، که در ماههای آخر عمر با برکت امام، جایگاه مهمّی داشت. بر این اصرار داشتند که کشور باید از لحاظ اقتصادی، از لحاظ کارهای زیر

بنایی و از لحاظ موارد در آمد، بازسازی شود و برای مردم، نمونه ای عینی و عملی از سازندگی اسلامی ارائه گردد.

آن مواردی که به اعتقاد بنده رؤوس و خطوط اصلی بینش امام و سلوك عملی و حکومتی ایشان بود، اینهاست. هر چند ممکن است بعضی موارد هم از دید بنده مخفی مانده و مورد غفلت قرار گرفته باشد.

من می خواهم عرض کنم: ملت ایران و دولت جمهوری اسلامی، در این سه سال، همه تلاششان را کردند که همین راه را دنبال کنند و به فضل الهی و به توفیق خداوند متعال، موفق هم شده اند. تبلیغات از سوی استکبار جهانی متوجّه این است که به مردم دنیا، وانمود کند که بعد از رحلت امام، دوران دیگری در زندگی مردم ایران شروع شده است. اما ملت ایران، حقایق را مشاهده می کند و همه چیز را از نزدیك می بیند. من صریحاً اعلام می کنم که این، یك دروغ بزرگ است. این، اهانت به ملت ایران است. این، تهمت به ملت عظیم الشّأنی است که پشت سر امام خود، همه بندهای استکباری را گشود و سست کرد و مورد تهدید قرارداد. ملت، راه نجات خود را ادامه راه امام می داند. ملت ایران، خطر را به درستی شناخته است. برای ملت و انقلاب ما، بزرگترین خطر، خطر نفوذ استکبار و قدرتهای جهانی و به طور خاص، خطر نفوذ ابرقدرت مهار گسیخته امریکاست. ملت ما خوب می فهمد و خوب می داند که استکبار، کمین گرفته بود تا امام از میان مردم برود و بتواند به گمان خود، این قلعه عظیم راکه دیگر دیده بان و نگهبان بزرگی مثل امام ندارد، هدف قرار دهد. داغ این آرزو را، ملت ما به دل استکبار جهانی و امریکا گذاشت و بعد از این هم، ان شاءاللّه همیشه خواهد گذاشت.

البته در این سه سال، دشمن بی کار هم ننشسته است. تضییقات زیاد و فشارهای گوناگونی به منظور خسته و دلسرد کردن ملت ایران تدارك دید. اما ملت ایستاد. ملت، آزمایش بسیار خوبی را پس داد و خدای متعال هم، پاداش این استقامت را به شما مردم مبارز و شجاع داد. بارها نشانه های رحمتش را به شمانشان داد. در این چند سال، پیروزیهای گوناگونی برای ملت ما پیش آمد. آزادی آزادگان عزیز ما که اسارتشان یکی از غصّه های این ملت بود، یکی از این پاداشهای الهی بود. متجاوز شناخته شدن رژیم جنگ طلب عراق در محافل جهانی، یکی دیگر از پاداشهای خدا بود. این، حقّانیت انقلاب و ملت ایران را ثابت کرد.این، یك حادثه سیاسی کوچك نبود. این، نشان داد که تبلیغات و توطئه های جهانی وتلاش استکبار در این هشت سال، علیه این ملت، چقدر ظالمانه بود. در این هشت سال، استکبار می خواست به دنیا و ملتهایی که به ایران به چشم الگو نگاه می کردند، ثابت کند و نشان دهد که انقلاب و ملت ایران، از قاعده وقانون صحیح عقلانی دورند. تجاوز می کنند ؛ کشتار می کنند و جنگ به راه می اندازند!

همه اینها برای این بود که ملت ما را از چشم ملتهای دیگر بیندازد. این شهادت و گواهی جهانی، همه آن بافته های تبلیغاتچیهای استعمار و طرّاحان استکبار را خنثی کرد و نشان داد که ملت ایران در این هشت سال، حق داشته و از حقّ خود دفاع کرده است. ثابت کرد که این ملت، ملتی است که برای احقاق حقّ خود و سرکوب متجاوز، حتّی حاضر است هشت سال، جنگی با این عظمت و بااین اهمیت را ادامه دهد و ازخود دفاع کند و سختیها را تحمّل نماید. و این، عجیب تجربه ای برای دنیانسبت به ملت ایران شد!

از دیگر پاداشهای الهی این بود که در این چند سال، بسیاری از کسانی که در دوران هشت سال جنگ تحمیلی، علیه ملت ایران همدست شده بودند، مجازات شدند. دولت شوروی، پشتیبان درجه یك عراق، متلاشی شد. در میان کشورهای اروپایی، آنهایی که بیش از همه به عراق کمك کردند، بیش از همه، سیلی خوردند. بسیاری از دولتهای این منطقه، که پشت سر عراق بودند و با شما ملت مظلوم مواجه شده بودند، چوب این کار را در این سه سال خوردند.

اینها، آن نشانه های لطف الهی به ملت ماست. بدانید و دنیا هم بداند که دیگرانی هم که تاکنون مصون مانده اند، بی نصیب نخواهند ماند. هشت سال توطئه علیه یك ملت حق طلب ؛ علیه ملتی که برای خدا قیام کرده است ؛ علیه ملتی که حرف حق می زند و برای نجات محرومین و مستضعفین، کمر بسته است...! دستهای قدرتمند و جنایتکار دنیا، این ملت را، مظلومانه، در طول هشت سال، آن طور کوبیدند. و البته، ملت ما، سر خَم نکرد و بالاخره هم شما پیروز شدید و آنها مجبور شدند به خطای خود اعتراف کنند و به سرجای خود برگردند و بنشینند.

در قانون طبیعت عالم و در سنّت الهی، این کارها بی جواب نمی ماند. از جمله پاداشهای خداوند در این سه سال، قدمهای بلندی بود که برای سازندگی کشور برداشته شد. مسؤولین دلسوز تلاش کرده اند و کارهای بزرگی انجام شده است. ان شاءالله این کارها باید ادامه پیدا کند، و روزبه روز، کشور به سمت سازندگی و همان هدفهایی که امام بزرگوار برای آن داشتند، پیش برود.

اما نگاهی هم به آینده بیندازیم. راه ملت ایران در آینده چیست؟ در یك جمله، به طور خلاصه باید بگوییم که راه ملت ایران در آینده، همان راه امام و انقلاب و ایستادگی و مقاومت در مقابل تحمیل ابرقدرتها و دفاع از مستضعفین و مظلومین و دفاع از اسلام و قرآن و برافراشتن پرچم اسلام و قرآن در سطح عالم است.

ما با ظلم و استکبار و فشار بر ملتها، مخالفیم. با تحمیل و زورگویی ابرقدرتها مخالفیم و در مقابل آن می ایستیم. ما در مقابل سازش با اسرائیل می ایستیم. ما از ملت مظلوم فلسطین، با همه امکان، دفاع می کنیم.از ملت لبنان که زیر فشار صهیونیستهاست، دفاع می کنیم. ما از اسلام، از اسلام بیدار شده و ملّتهای به هویّت اسلامی برگشته، در هر جای دنیا باشند، دفاع و حمایت می کنیم. امروز پس از آن که ابرقدرت شرق، متلاشی شده و ازبین رفته، امریکا یك ابرقدرت بی رقیب در دنیاست که دچار غرور شده است. دچار این اشتباه بزرگ، که خواهد توانست دنیا را طبق میل خود و اراده خود، اداره کند و بچرخاند. نظام و ترتیبات نوینی که اینها برای دنیا پیشنهاد می کنند، براین اساس است ؛ بر اساس محور بودن امریکا ؛ و بعد از امریکا، قدرتهای دیگری که در درجه بعد قرار دارند و تسلّط اینهابر همه عالم ؛ بر همه کشورها ؛ بر همه ملتها ؛ بر همه منابع مهم جهان و بر همه آبراههای حسّاس عالم. به تصوّر اینها، سرنوشت دنیا دراختیار خودشان است! امروز قدرتهای مسلّطی که دیگر در مقابلشان بلوك شرق و شوروی سابق را ندارند، احساس می کنند که باید دنیا و سیاست عالم، یکپارچه، در اختیار آنها قرار گیرد و هر چیز که در این راه، مانعی محسوب شود، با آن به مبارزه برخیزند.

آنچه که من احساس می کنم و شواهد بر آن گواهی می دهد، این است که امریکا و دستیارانش احساس می کنند که اسلام، بزرگترین مانع بر سرراه این جهانخواری است. لذا در نظم نوین جهانی و در منطق امریکایی، مبارزه با اسلام، یك عنصر اساسی و اصلی است. بنا دارند با اسلام مبارزه کنند. بنا دارند نهضتهای اسلامی را، در هرجای عالم که ملتها به پاخاستند، سرکوب کنند و هرجا حکومتی استبدادی و قدرت ظالمی در مقابل مسلمانان قرار گیرد، از آن دولت و قدرت ظالم، بی قید و شرط حمایت و تشویق کنند. به زبان، حرف دیگری می زنند، اما باطنِ قضیه این است. استکبار تحمّل نمی کند که مسلمانان یکپارچه شوند. تحمّل نمی کند که احساسات اسلامی، در میان ملتها رشد پیدا کند ؛ چه در آسیا باشد، چه در آفریقا باشد و چه مخصوصاً در اروپا. خواهید دید که با مسلمانان بوسنی هرزگوین چه خواهند کرد. یقیناً روزی هم در اروپا، مسلمانان آلبانی و دیگر مسلمانانی که در کشورهای اروپایی هستند دچار سرنوشتهای تلخ و آزمایشهای دشواری خواهند بود. این، ناشی از همین سیاست است ؛ سیاست اسلام زدایی. در آفریقا نهضتهای اسلامی به شدّت مورد نفرت استکبارجهانی است. هرجا بیداری اسلامی احساس می شود، اینها نسبت به آن حسّاسند. زمزمه می کنند که در انتخاباتِ ملتها باید شرکت کنند! بروند در کشورها و آن جا که انتخابات به راه می افتد، برانتخابات نظارت کنند! اسم این کار را «نظارت بر انتخابات برای تضمین آزادی انتخابات»

می گذارند ؛ اما در معنا، این فکر برای این است که مبادا در نقطه ای از عالم، مسلمانان از راهِ روشهای انتخابات و پارلمانی، بتوانند به حکومت برسند. همان طور که در الجزایر این کار شد و متأسفانه سرکوب گردید.

با اسلام به شدّت مبارزه می کنند و از همه بیشتر، از جمهوری اسلامی داغدار و ناراحتند. می دانند که این جمهوری اسلامی و ایستادگی آن امام بزرگوار بود که ملتها را بیدار کرد ؛ به آنان امید داد و آنها را به حرکت تشویق کرد. لذا با جمهوری اسلامی به شدّت بدند. امروز در دنیای ما، این یك حقیقت است. در کنار این حقیقت - ملت ایران درست توجّه کند و ملتهای مسلمان بدانند - حقیقت دومی قرار دارد و آن این است که اراده، ایستادگی، مبارزه و تسلیم ناپذیری ملتها، بر تمام توطئه های استکباری، تا امروز غلبه کرده است و بعد از این هم غلبه خواهد کرد. در مقابل بدخواهی و بددلی دشمن، تنها راهی که وجود دارد، ایستادگی ملتهاست. همچنانی که ملت ایران، این را تجربه کرد و ایستاد.

شما با ایستادگی خودتان پیروز شدید و اگر این ایستادگی نبود، تا امروز بارها دشمن، اغراض پلید خود را در ایران عزیز و میهن اسلامی ما اعمال و اجرا می کرد. ملتهای دیگر هم، راهی جز ایستادگی ندارند. اگر ملتها ایستادگی کنند، خدا به آنها کمك می کند. «ولینصرنّ اللّه من ینصره.» وعده خدا این است که اگر شما خدا را نصرت کردید، خدا هم (3)

شما را نصرت می کند.

نمونه اش انقلاب اسلامی بود. که شما خدا را نصرت کردید، خدا هم شمارا نصرت کرد. نمونه دیگرش جنگ تحمیلی بود که شما خدا را نصرت کردید، خدا هم شما را یاری نمود و پیروز کرد.

نمونه دیگر، تجربه های فراوان این سیزده سال بود که در همه این تجربه ها، شما ایستادگی کردید و ازمواضع حق دفاع نمودید، و خدا هم به شما کمك کرد.اگر کمك خدا نبود، امروز، امریکا روزگار سختی را برای کشور و ملت ایران پیش آورده بود و انتقام کشیده بود. تنها راه، ایستادگی است. ملت ایران، همچنان که امام فرموده بود، بایدمتّحدباشند. همچنان که امام فرموده بود، بایدپایبند به اسلام باشند. همچنان که امام فرموده بود، باید در راه سازندگی بکوشند. همچنان که امام فرموده بود، باید پشت سر مسؤولین باشند. همچنان که امام فرموده بود، مسؤولین و ملت، باید از قدرتها نترسند ؛ از امریکا نترسند ؛ از دشمنیها نترسند و به خدا اتّکا کنند. و همچنان که امام فرموده بود، امیدوار باشند که این راه، به پیروزی ما منتهی خواهد شد.

من در پایان عرایضِ خود، لازم می دانم از ملت عزیزمان تشکر کنم، به خاطر این که در تجربه های گوناگون، بحمداللّه، با ایستادگی و روشن بینی عمل و حرکت کرد. در همین انتخابات اخیر، حضور شما مردم، مایه اعتبار و حیثیّت اسلام و مسلمین شد و بحمداللّه، مجلس چهارم هم تشکیل گردید. پشت سر مسؤولین بودید ؛ از مسؤولین حمایت کردید ؛ ازدولت حمایت کردید...و همه اینها، حسناتی بود که خدای متعال به خاطر آنها به شما اجر خواهد داد. من، صمیمانه از یکایك شما ملت عزیز تشکر می کنم. و در حضور این روح بزرگوار، این روح ملکوتی، که حتماً ناظر و حاضر است و کار شما را می بیند و اجتماع مارا می فهمد و حس می کند و از خوشبختی و حرکت توأم باصلاح شما خشنود می شود، پیش پروردگار عالم شهادت می دهم که این ملت، باصداقت و صفا، پشت سر امام، در خطِّ امام بزرگوار و برای اسلام حرکت کرد، و از هیچ تلاشی فروگذار و مضایقه نکرد.

به طور ویژه لازم می دانم از خانواده های عزیز شهدای عالیقدرمان، ازجانبازان عزیزمان، از خانواده های آنها، از

آزادگانمان که رنجها کشیدند و خانواده های آنها، و از خانواده های مفقودین عزیزمان، صمیمانه تشکر کنم. شما بحمداللّه در همان موضعی که انقلاب از شما انتظار دارد، ایستادید. شما سربازان خطّ مقدمّ انقلاب هستید. باید سنگرهایتان را در هر نقطه که هستید، حفظ کنید. از دولت جمهوری اسلامی، صمیمانه تشکر می کنم، به خاطر این که در این مدت، همه تلاشی را که یك دولت صالح و خوب ممکن است انجام دهد، برای پیشبرد کار انجام داد. مسؤولین دولتی زحمت می کشند و دلسوزانه تلاش می کنند.

دلسوزی دولتها، بزرگترین موهبت برای ملتهاست. یك دولت دلسوز و علاقه مند و خدمتگزار، بسیار باارزش است ؛ دولتی که اجزا و رئیس محترم آن، به منافع شخصی خودشان فکر نمی کنند و کار را برای خدا و به نفع ملت انجام می دهند. من در حضور امام بزرگوارمان و در پیشگاه خداوند متعال، باید ازاین عزیزان تشکر کنم. از بیت معظّم این رجل ملکوتی و از فرزند عزیز ایشان، جناب آقای حاج سیداحمد آقا، لازم است به خاطر مواضع صادقانه و دلسوزانه ای که ایشان در این مدت سه سال داشتند، تشکر کنم. ایشان همان چیزی را که امام می پسندیدند، آنچه را که امام از اهل و خانواده خود انتظار داشتند، همان را نشان دادند و ارائه کردند. در همان راه حرکت کردند ؛ برای خدا سخن گفتند ؛ برای خدا کار کردند و امیدواریم ان شاءاللّه موفّق باشند.

من از همه ارگانهای جمهوری اسلامی، به خاطر پایبندی شان به معیارها و موازین خطّ امام، تشکر می کنم. از قوّه قضائیّه، از قوّه مقنّنه، از مسؤولین و اعضای آنها ؛ به خاطر این که همه دستگاههای کشور، یك معیار اساسی دارند و آن، اسلام ناب است و مجسّم کننده اسلام ناب، یعنی امام امّت، رضوان اللّه علیه و خط و راه او. این، چیز با ارزشی است. ملت و دولت، همین طور فکر و همین گونه عمل می کنند. بنده انتظار دارم در آینده هم، ملت ما همین طور حرکت و مشی کند. پشت سر مسؤولین، کمك کار مسؤولین، دلسوز مسؤولین، و صمیمی و ناصح نسبت به مسؤولین باشد. از مسؤولین هم انتظار دارم همین راه را ادامه دهند. بخصوص طبقات محروم، پابرهنگان و مستضعفین جامعه، باید برای تمام تلاشها و فعّالیتها محور و معیار باشند. کسانی که به تعبیر امام، صاحبان این کشورند ؛ کسانی که جنگ را، بسیج را، دفاع فداکارانه در مقابل تجاوز دشمن را، با جان خودشان تحمّل کردند. همه چیز باید برای آنها ودر جهت منافع آنها باشد. امیدواریم خداوند همه ما را موفّق بدارد.

من چند دعا می کنم ؛ به امید این که در این بارگاه الهی و با حضور شما مؤمنین و مؤمنات، ان شاءاللّه این دعاها به هدف اجابت برسد:

پروردگارا! ما را در راه اسلام و خطّ امام و معارف قرآن، همواره پایدار بدار.

پروردگارا! ملت ایران را بر دشمنان اسلام و مسلمین، پیروز کن.

پروردگارا! ملتهای مسلمان را، در هر نقطه از جهان که هستند، بر دشمنانشان پیروز کن.

پروردگارا! قلب مقدّس ولیّ عصر اروحنا فداه را از ما خشنود کن.

پروردگارا! مارا از یاران آن بزرگوار در حضور و غیبتش قراربده.

پروردگارا! توفیق پیاده کردن کامل احکام اسلام و قرآن را به همه ما عنایت کن.

پروردگارا! به محمّدوآل محمّد، دلهای این ملت را به برکت لطف و فضل خود، همواره محکم و امیدوار بدار.

پروردگارا! گرفتاریهایی را که محصول خباثت دشمنان است، از میان ما برطرف فرما.

والسّلام علیکم و رحمةاللّه و برکاته.

---

1) توبه: 32
2) فرمایش معظّمٌ له، ناظر بر زمانی است که هنوز دست استعمار از حکومت آفریقای جنوبی کوتاه نشده بود و در آن جا «آپارتاید» حاکم بود.
3) حج: 40